

اهمیت ترکستان برای روسیه

(۱۸۵۰-۱۹۱۷)

- دیوید مکنزی
- ترجمه: شهرام فرحناکی

در اواخر قرن نوزدهم، زمانی که سایر قدرت‌ها مستعمراتی را در ماورای دریاها یافته بودند، روسیه از سبیری به سمت جنوب پیشروی کرد و از سمت شرق از دریای مازندران به سمت مرزهای افغانستان، ایران و هند؛ میلیون‌ها مسلمان تحت سلطه روسیه درآمدند. در سال ۱۹۱۴، آسیای مرکزی روسیه چهار استان اس‌زی (بیابانی) را دربرگرفت (اورال، تورگای، آکمولینسک و سمی پالاتینسک) شمال شرق روسیه اروپایی و فرمانداری ترکستان (ایالت‌های سیردریا، فرغانه، سمرقند، ماوراء خزر و سمیرچ) که بر دو خان نشین - تحت‌الحمایه یعنی بخارا و خیوه نظارت داشت. ترکستان روسیه شامل مناطق کوهستانی شرقی با آب فراوان و خاک حاصلخیز و صحرای غربی و بیابان نمکی مشتمل بر واحه‌های خشک می‌شد.

کنکاش‌های روسیه در مورد اهمیت ترکستان، در دوره پایانی حکومت تزارها، بیشتر شد. ترکستان در مراحل بعدی، به‌عنوان پایگاه سیاسی و نظامی در رقابت با انگلستان در نظر گرفته شد. و سپس به‌عنوان منبع مواد خام، یک بازار برای محصولات تولیدی صنعتی و یک گوشه امن برای دهقانان محروم از زمین بود.

تا قبل از ۱۸۵۰ رهبران روسیه چندان توجهی به اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی نداشتند. آنان استپ‌ها (بیابان‌های) کازاخ را مطیع کردند (۱۷۳۰-۱۸۵۰) نه برای تهدید کردن هندوستان، بلکه؛ برای بدست آوردن مرزهای امن و دسترسی به بازارهای شرقی. قرن‌ها، کاروان‌ها منسوجات روسی، تولیدات فلزی و شکر را به آسیای مرکزی در عوض پشم خام، کتان، قالیچه‌ها، سنگ‌های قیمتی و اشیاء هنری (ظریف) آورده بودند. این تجارت با سرعت تا سال ۱۸۳۸ رشد یافت. زمانی که رقابت با انگلستان موجب یک رکود موقتی شد. به‌طوری که کالاهای هند، با وجود فاصله و ارتباط ضعیف، محصولات روسی را از آسیای مرکزی برکنار کرد.

از ۱۸۵۱ تا ۱۸۶۱ تجارت آسیای مرکزی با روسیه تقریباً ۳ برابر شد و صادرات محصولات تولیدی روسیه به آن (آسیای مرکزی) تا ۶ برابر افزایش یافت. شکست روسیه در جنگ کریمه بر اعتبار و ارزش استراتژیک آسیای مرکزی افزود. در غرب، روس‌ها به سمت رودخانه سیردریا حرکت کردند، در شرق دژ ورنی را ساختند (۱۸۵۴) و علیه خوقند پیشروی کردند. در طول نیم قرن آینده، روسیه از آسیای مرکزی برای تهدید هند استفاده کرد. انگلستان می‌تواند در هر جایی

«ترکستان جواهری است در تاج تزار روسیه»

(ایوان ویشنگرادسکی)



به روسیه ضربه بزند، وزیر امور خارجه ن. ک. گبرس نوشت؛ روسیه فقط از طریق واحه‌های ترکستان می‌تواند به انگلستان دسترسی داشته باشد.^۱ ساختن یک خط آهن به سمت شرق از دریای خزر - شاهزاده آ. آی. باریاتینسکی در اواخر دهه‌ی ۱۸۵۰ می‌توانست موقعیت اقتصادی و نظامی روسیه را یکپارچه سازد و تأثیر بریتانیا را ضعیف کند. برای بهره‌برداری از پتانسیل بازرگانی (تجاری) آسیای مرکزی، یو. آ. گیجمستر از وزارت دارائی اصرار داشت که خانات مسلمان خوقند، بخارا و خیوه باید تسخیر شوند. به عبارت دیگر، ژنرال آ. او. دیوگامل، فرماندار سیبری غربی (۱۸۶۱-۱۸۶۶)، هشدار داد که گسترش در ترکستان می‌تواند فقط سبب مشکلات و ضعف روسیه شود:

«برای فرو بلعیدن این واحه‌ها، که می‌تواند شبیه به قفقاز باشد هم‌چون پرتگاهی خواهد بود که تمام درآمدهای ما را مصرف می‌کند»^۲

به فاصله‌ی سال‌های ۱۸۶۴ تا ۱۸۶۸ م، با وجود هشدارهای نه‌چندان جدی وزارت خارجه - که توسعه‌ی سریع ممکن است موجب یک بحران با انگلستان شود - دسته‌های کوچک نظامی روسیه، شهرهای مسلمان واحه‌های ترکستان را با کم‌ترین هزینه‌ی جانی و مالی اشغال کردند. رهبران روسیه پتانسیل تاشکند را درک کردند.

«بیرژوی و دوموستی» یک روزنامه‌ی تجاری مهم ابراز داشت: «تصرف ترکستان می‌تواند به حکومت استبدادی خوقند پایان دهد، حمایت تاجران و سود فراوانی را برای روسیه داشته باشد. ما اکنون منطقه‌ای بسیار غنی در دنیا از لحاظ آب و هوا، خاک و ثروت‌های زیرزمینی را در تملک داریم.» روسیه باید آن را به نحو کارآمدی اداره کند و یا آن‌که نواحی آن سوی رودخانه ایرتیش و دریای خزر را ترک کند.

با یک مرز هیمالیایی و یک حکومت منطقی، روسیه می‌تواند خطوط آهن بسازد استعمار را توسعه داده و از ثروت ترکستان بهره برداری کند.^۳

روزنامه‌ی آزاد «دیلی گلاس» تصریح کرد که روس‌ها نسبت به ترکستان بی‌توجه بودند. دوباره برقرار ساختن نظم آنجا، صرفاً پاک‌سازی راه برای تاجران بریتانیایی بود. ترکستان شاید در یک هدف بازرگانی سودمند باشد اما، تاکنون توان سیاسی ما را تقویت نکرده است؛ آیا روسیه باید بیابان‌های تشنه را آباد کند، در زمانی که کریمه و قفقاز بی‌هوده در انتظار مهاجرین هستند؟ آیا تصور یک خط آهن به سمت تاشکند در زمانی که مسکو از خط آهن ارتباطی با ادسا محروم بود؛ درست است؟ ترکستان باید به طرز بی‌رحمانه مورد بهره‌برداری قرار گیرد:

اگر به تقلید از انگلستان، ما نیز از سوزده‌های جدیدمان کسب پول کنیم، سودهای سرشاری برای ما خواهد داشت. فتوحات جدیدمان منفعت سرشاری برایمان خواهد داشت؛ چنانچه ما توصیه‌ی مغرضانه انگلستان را بپذیریم و خود را در نقش متمدن‌کنندگان فریب دهیم، چنین فتوحاتی فقط بار سنگینی برای ما خواهد بود.^۴ نظامیان روسیه به فواید استراتژیک پیشروی در واحه‌ها پی بردند.

سرانجام، گزارشی سری اعلام کردند مبنی بر اینکه باید روسیه خانات مسلمان را تسخیر کند و بر دره‌ی آمودریا چیره شود. در این اثنا تصرف، تنگه‌ی «دغلان یوتا» موجب شد تا بخارا در معرض خطر قرار گیرد و از اتحاد خانات علیه روسیه جلوگیری کند. جداسازی «دیزاک»، «تاشکند» و «خجند» نظم را برقرار ساخت.^۵

روسیه سودهای تجاری بلافصلی از فتوحات به‌دست آورد. الحاق تاشکند (۱۸۶۶) تجارت روسیه را با خانات و «ترکستان چین» ترغیب کرد و روسیه را در نزدیکی بخارا جای داد (منبع بالقوه کتان و ابریشم خام). افزایش شدید قیمت جهانی کتان در دهه ۱۸۶۰، روسیه را به یافتن ذخایر کتان در آسیای مرکزی واداشت.^۶ بیشتر رهبران بریتانیا، این پیشروی‌های روسیه را با متانت پذیرفتند. به نقل از «آرمینیوس وامبری»، «لرد جرج کلارندون»، در ۱۸۶۴ ابراز داشت:

«سیاست روسیه در آسیای مرکزی در وضعیت مشابهی با آنچه که ما در هندوستان هستیم؛ شکل گرفته است. روسیه ناگزیر به حرکت تدریجی از شمال به جنوب است؛ دقیقاً آن‌گونه که ما ملزم به انجام حرکتیمان از جنوب به سمت شمال هستیم. روسیه خدماتی در راستای متمدن‌سازی انجام می‌دهد و ما نمی‌توانیم بیش از این مراقب باشیم، حتی اگر او بخارا را تصرف کند»^۷.

معهد، یک مقام کنسولی در مدرسه‌ی بزرگ نظامی امپراطوری بریتانیا هشدار داد که ترکستان می‌تواند الجزایر روسیه شود؛ به یک‌باره از این سوی به آن سوی آمودریا روسیه می‌تواند اهداف انگلستان را در هند تهدید کند و حتی هندوستان را از بازرگانی آسیای مرکزی خارج سازد.^۸ رهبران روسیه بر سر ارزش ترکستان با هم اختلاف داشتند. برای تصرف آن؛ یک سخنگوی نظامی ادعا کرد که هزینه اش کمتر از اعزام دوره‌های نیروهای تنبیهی خواهد بود که نه آرامش را ایجاد کرده و نه نظم را. با تأمین امنیت کنونی استپ قزاق از تجاوز خارجی، روسیه قادر به توسعه‌ی بازرگانی خود و منابع ترکستان خواهد بود.

پادگان‌ها و هزینه‌های نگهداری نیروها در اورنبرگ و سیبری غربی کاهش یافت و این خود می‌توانست بیشتر از بازپرداخت هزینه فتوحات باشد.^۹ افسرانی چون «گلیخوفسکی» بر ارزش مادی ترکستان تأکید داشتند؛ روزنامه‌نگارانی چون «دالینسکی» بر پتانسیل اقتصادی آن تأکید ورزیدند. منتقدینی چون «دیوگامل» و «گالاس» هزینه‌های این الحاق را مورد استناد قرار داده و در این‌که این هزینه‌ها قابل استرداد باشند، تردید کردند. وزارت جنگ به توسعه‌ی هرچه بیشتر جهت تأمین امنیت و اعتبار توجه داشت؛ حال آن‌که وزراء دارایی و خارجه قاعدتاً با آن مخالف بودند. سن پترزبورگ قیومیت دایمی ترکستان را در اختیار گرفت. در جولای ۱۸۶۷ الکساندر دوم، ژنرال «فون کاوفمان» را به‌عنوان نخستین فرماندار ترکستان منصوب کرد و به او اقتدار کامل نظامی، سیاسی و مالی برای پیوند دادن این سرزمین‌ها به روسیه داده شد.^{۱۰} هنگامی که او به ترکستان وارد شد، نابسامانی و آشفتگی رواج داشت، سیاست روسیه به فرمانروایان مسلمان همسایه‌اش بستگی داشت، و از یک‌ها در انتظار آزادی بودند. کاوفمان گزارش داد: «همه این‌ها بر لزوم حمله‌ی ناگهانی به بخارا تأکید دارد، تا آن را

تا قبل از ۱۸۵۰ رهبران روسیه چندان توجهی به اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی نداشتند. شکست روسیه در جنگ کریمه بر اعتبار و ارزش استراتژیک این منطقه افزود

آن، با گسترش هرچه بیشتر قدرت روسیه، روسیه منطقه‌ی بزرگ‌تری را به‌دست خواهد آورد، و از نقاط آسیب‌پذیر بیشتری در معرض خطر قرار می‌گیرد و خطر بزرگ‌تر آن است که باید شورش‌ها را متحمل شود و بزرگ‌ترش نیز آن است که هزینه‌های بیشتری باید صرف کند.^{۱۵} در هر صورت نیروهای کاوفمان برای تهدید هندوستان بسیار ناچیزند.^{۱۶} «سرهانری رالینسون» - مستشرق برجسته - پیش‌بینی کرد که روسیه می‌تواند خانات آسیای مرکزی را به خود منضم کرده و بر افغانستان سلطه یافته و آن را مقدمه‌ای برای تجاوز به هند قرار دهد. اشغال کراسنودسک (۱۸۶۹) در شرق ساحل خزر توسط روسیه، تلاش بریتانیا را برای غلبه بر افغانستان برانگیخت.^{۱۷} در دهه‌ی ۱۸۷۰، مقامات رسمی روسیه و افکار عمومی آن بر سر ارزش مادی ترکستان توافق نداشتند. «کاوفمان»، وزیر جنگ و «گالاس»، از اهمیت نظامی سیاسی و اقتصادی آن دفاع کردند. ترکستان با پتانسیل اقتصادی و آینده‌ی روشن، به عنوان یک تأمین‌کننده کتان و ابریشم برای روسیه تأثیرگذار خواهد بود. کاوفمان از طرح راه‌آهن تاشکند - اورنبرگ حمایت کرد. مالیات سبکی بر اهالی بومی تعیین کرد، اما درآمد‌های داخلی همچنان هزینه‌های اداری را تأمین می‌کرد و مازاد سالانه‌ای بالغ بر ۸۰۰۰۰۰۰ روبل را برای تأمین نظم داخلی فراهم می‌ساخت.^{۱۸} با حمایت‌های جزئی، کاوفمان درصدد توسعه‌ی ترکستان برآمد. او کتان آمریکایی را وارد کرد و تب کتان را در میان افسران و مقامات رسمی تحریک کرد و دست به فعالیت زد - هرچند که با توفیق ناچیزی برای آبیاری استپ‌های بی‌آب و علف مواجه بود.^{۱۹} گزارش‌هایی در خصوص طلا، کوشگران بومی را جذب خود کرد، اما معادن طلا کم‌ارزش از آب درآمد؛ استعمار روسی منطقه ناچیز بود.^{۲۰} از سوی دیگر، «ایگن شیلر» - دیپلمات آمریکایی - با استفاده از ارقام وزارت دارایی در سال ۱۸۷۴، بر افزایش کسری بودجه سالانه ترکستان تأکید داشت. او تأکید داشت که هزینه سپاهیان بالا بود. تجارت در حال افول بود و منابع قلیل ترکستان هرگز نمی‌توانست تکاپوی هزینه‌های اداری را بکند. «شیلر» ادعا کرد: اگر روسیه زودتر این مسأله را دانسته بود؛ منطقه را تصرف نمی‌کرد. او کاوفمان را به ولخرجی و بی‌کفایتی متهم ساخت. اما با این وجود به سبب اعتبار و حیثیت، روسیه نمی‌توانست عقب‌نشینی کند.^{۲۱} روزنامه‌ی ناسیونالیستی ژنرال «چرنیایف» - تندترین منتقد کاوفمان - ارقام محاسباتی «شیلر» را منتشر ساخت. این گزارش تأکید

با نیروهای نظامی به صلح و آرامش وادار کنیم. و سپس سرزمین‌های تاکنون تسخیر شده توسط ما را به اتحاد بی قید و شرط واداشته، پاک‌سازی تصور هرگونه وابستگی به سایر قدرت‌ها از دولت روسیه و سپس کار تدریجی در اصلاحات منطقه نیاز به برپایی ساختاری منطقی‌تر از دوره‌ی قبل از آن دارد که همواره اقتدار روسیه را در این‌جا تثبیت کند.^{۲۲}

به‌طور قطع، با هزیمت خانات مسلمان و انهدام نظم سیاسی سنتی آسیای مرکزی؛ کاوفمان حدود ترکستان را گسترش داد، یک تصور شکوهمند از قدرت روسیه را بنا نهاد. حکومت نظامی او نظم داخلی را برقرار ساخت و ترک سنن بومی و رسوم دست‌نخورده را در هر جایی که امکان داشت، فراهم ساخت. برای رهبران شکاک مسلمان؛ کاوفمان یک قاب سند طلایی که اختیارات نامحدودش را ترسیم می‌کرد - نشان داد. ازیک‌ها او را «شبه‌تزار» خواندند.^{۲۳} کاوفمان شخص توسعه‌طلب پرشوری بود. در ۱۸۶۸، پس از گرفتن سمرقند، از پس دادن این شهر به بخارا استتکاف کرد و ابراز داشت:

«من نمی‌توانم مرتکب چنین بی‌حرکتی علیه اعتبار، حرمت و حقوق روسیه شوم» چون آسیایی‌ها فقط به یک قدرت احترام می‌گذاشتند، پس مناطق فتح‌شده نمی‌توانست بازگردانده شود: آسیایی‌ها می‌دانند که عثمانی (ترکیه) و انگلستان مراقب ما هستند. بدون کمترین مدارایی، ما نباید به سبب ترس و ملاحظه متوقف شویم چرا که ریسک آن وجود دارد که یا تمام آن‌چه را که در گذشته به‌دست آورده‌ایم، از دست بدهیم و یا آن‌که چیزهای دیگری را نیز به‌دست آوریم. ما در این‌جا کم‌تعداد هستیم و انگلستان به تمام مسلمانان جهان برای قیام علیه ما در آسیا، یاری خواهد رساند».

او افزود روسیه نباید به تهدیدات انگلستان تن در دهد، بلکه باید از خشم دولت‌مردان لندن شادمان گردد. انگلستان دشمن روسیه است و فقط در آسیاست که می‌تواند با روسیه تماس داشته باشد؛ این مهاری است که با آن می‌توانیم همیشه از انگلستان جلوگیری کنیم که اهدافش آسیب رساندن به ما در هر جایی است. بالاخره الکساندر دوم با حفظ سمرقند موافقت کرد.^{۲۴} در طول سال‌های نخست حکمرانی کاوفمان؛ انگلستان معتقد بود که توسعه‌ی بیشتر می‌تواند صرفاً بار سنگینی برای روسیه باشد. نایب السلطنه «سرجان لارنس» اظهار داشت: «ما برتری بیشتری در منطقه خواهیم داشت و آگاهی نسبت به



نظامیان روسیه به فواید استراتژیک پیشروی در واحه‌ها پی بردند. سرانجام، گزارشی سری اعلام کردند مبنی بر اینکه باید روسیه خانات مسلمان را تسخیر کند و بر دره‌ی آمودریا چیره شود

اهمیت ترکستان

نیروهای نظامی روسیه و هزینه‌های غیرضروری را کاهش داده بود. اما این صرفه‌جویی‌های او از توسعه‌ی اقتصادی ترکستان جلوگیری کرد.^{۲۸} در میان ناظران خارجی «باگزر» در لندن تایمز به تاریخ ۳۰ مارس ۱۸۸۳ نوشت: «ترکستان هست و می‌تواند بیشتر از این به‌عنوان مجرای برای منابع محدود روسیه و همچنین مانعی برای حرکت او در مسیرهای دیگر باشد. امپراطوری روسیه در آسیای مرکزی به او اشتیاقی پرهیجان از یک جاه‌طلبی بزرگ می‌بخشد؛ بدون آن که کارها را ساده کند و یا کوچک‌ترین ملزوماتی برای فهم آن دست و پا کند».^{۲۹}

به هر حال، فتوحات، مستعمرات را تا حد فراوانی توسعه داده و بر اهمیت استراتژیک آن افزوده بود. در سال ۱۸۷۳، هنگامی که خیمه تحت‌الحمايه روسیه شد، روسیه به سمت آمودریا حرکت کرد. اکنون ترکستان می‌توانست بی‌واسطه از طرف اروپا مورد حمایت و توجه قرار گیرد و روسیه نیز جای پای مطمئنی در استپ ترکستان داشت. هندوستان از سمت ایران بی‌دفاع بود و هرات کلید افغانستان و خلیج فارس شد. برای هند، سقوط خیمه مرکز ثقل دفاعی را از کوه‌های بلاواسطه افغانستان به مرزهای شکننده و بی‌دفاع ایران و دشت‌های ترکمان انتقال داد. روسیه می‌توانست استقلال ایران و افغانستان را تهدید کند و هند را در معرض خطر قرار دهد؛ این را وزیر مختار بریتانیا از سن پترزبورگ گزارش داد. با داشتن فقط ۶۰۰۰۰ نیروی بریتانیایی برای دفاع از هند؛ فرماندهی ارتش هندوستان هشدار داد: «ما باید همه‌چیز را با قدرت‌مان انجام دهیم و از حرکت روسیه به جانب هندوستان و تجاوزات بیشتر به قلمرو ایران جلوگیری کنیم».^{۳۰} در سال ۱۸۷۶، تصرف خان‌نشین خوقند، روسیه را به بخارا و هند نزدیک‌تر کرد. ایالت فرغانه به روسیه منضم گشته و ثروتمندترین بخش ترکستان شد. «کستنکو» شادمانی کرد: «هر پیروزی شکوهمندی که توسط ارتش روسیه در ترکستان جلوه‌گر می‌شود، به شکل دردناکی در قلب بدخواهانمان منعکس می‌شود که از روی دشمنی به ترقی سیاسی و نظامی ما چشم دوخته‌اند».^{۳۱}

بحران بالکان (۱۸۷۵-۱۸۷۸) ارزش استراتژیک ترکستان را آشکار ساخت. «دیزرائیلی»، اعلام داشت که آسیا به اندازه‌ی کافی برای بریتانیا و روسیه بزرگ است؛ اما «لایتون» - فرمانفرمای هند - روسیه را به عنوان خطری بسیار جدی، بسیار نزدیک و بسیار محتمل قلمداد

داشت که به تنهایی در سال ۱۸۷۲ مخارج ترکستان ۳۵۰ درصد فراتر از درآمدهای آن بوده است.^{۳۲} وضعیت ترکستان؛ وزارت دارایی را به این نتیجه رساند تا آن را به‌عنوان یک مورد استثنایی از مستعمره‌ی تحت‌الحمايه‌ی کشور مادر، معرفی کند.^{۳۳} منتقدین بر عزل فرماندار کل و کاهش بودجه‌ی ترکستان تا سطح بودجه‌ی سال (۱۸۶۷ م) اصرار داشتند. عقاید منتقد، از ترکستان حمایت می‌کرد. وزیر دارایی به «گالاس» اعتراض کرد، که بودجه بر اساس هزینه‌های حراست از مرزهای امپراطوری تنظیم شده بود؛ ترکستان بیش از آن چیزی داشت که هزینه‌های غیرنظامی را تکافو کند.^{۳۴} مجله وزارت جنگ ابراز داشت:

تدارکات برای قشون ترکستان، ۱/۳ هزینه‌ی ناوگان دریایی در اورنبرگ بود و گماشته‌ی نظامی ترکستان مخارج را در اورنبرگ و سبیری غربی کاهش داد.

روسیه به نیازها و خواسته‌های ترکستان توجه خواهد داشت و آن را به‌عنوان یکی از ارزشمندترین و ثمربخش‌ترین نواحی کشور پهناور ما در نظر خواهد داشت.^{۳۵}

قطع نظر از کسری بودجه، «کستنکو» - نویسنده وقایع نظامی - اصرار بر آن داشت که روسیه در ترکستان باقی بماند، چرا که با داشتن منابع طبیعی، آسیای مرکزی نسبت به هر بخش از روسیه اروپایی از توانایی بالقوه کسب درآمد فراوانی برخوردار بود. به یکباره خانات آسیای مرکزی تحت کنترل روسیه درآمدند و روسیه بر هندوکش حکمفرما شد. سرمایه و کار سخت می‌تواند این ثروت‌های غنی را توسعه دهد. گشایش رودخانه آمودریا بر بازرگانی دریایی، می‌تواند بر حجم تجارت روسیه با آسیای شرقی و جنوبی بیفزاید. ترکستان بر قدرت روسیه در اروپا و آسیا افزوده است. تجارت و آگاهی علمی در حال رشد بود؛ مهاجران، فرهنگ روسی را به قلب آسیا آورده بودند.^{۳۶} به رغم این مجادلات؛ ژنرال کاوفمان ابقا شد. سناتور «گیرس» از ترکستان بازدید کرد، درآمدها را برای سال‌های ۱۸۶۸-۱۸۸۱ بالغ بر ۵۴۷۱۴۷۶۶ روبل دسته بندی کرد و هزینه‌ها را ۱۴۰۵۹۵۹۷۰ روبل، لیست کرد. برای بی‌اعتبار ساختن کاوفمان، «گیرس» هزینه‌های نظامی بودجه ترکستان را چیزی بالغ بر ۶۰ درصد آن محاسبه کرد.^{۳۷} در ابتدا الکساندر دوم و رفقاء محافظه‌کارش، رأی منفی او را پذیرفتند. ژنرال حاکم «چرنیایف» (۱۸۸۲-۱۸۸۴) لاف زد؛ که او

کرد. «رالینسون» (از مدرسه بامبای) از وحشت دیزرائیلی جانبداری کرد و به دفاع از هندوستان از طریق ایران و افغانستان التفات داشت. به هر صورت «لارنس» - فرمانفرمای قبلی هند از گروه پنجاب - بر دفاع در خود هندوستان تأکید داشت. اگر روسیه در نواحی بسیار دوردست پیشروی کند، در هر جایی با جنگ روبه‌رو خواهد شد.^{۳۲}

یکی از مورخین اهل شوروی تأکید کرد که ترس بریتانیا بی‌اساس بود که روسیه به‌خاطر رضایت سرمایه‌داران واکنش نشان می‌دهد؛ صرفاً قصد آن را داشته تا بر خانات و ماورای خزر تسلط یابد. نمایش قدرت در آسیای مرکزی صرفاً برای به دست آوردن امتیاز از بریتانیا در اروپا بود.^{۳۳} در می ۱۸۷۸ - تا زمانی که توسط وزارت خارجه بازداشته شد - کاوفمان ۲۰۰۰۰ نفر را تجهیز کرد (یعنی بزرگ‌ترین نیروی روسی که تا آن زمان در آسیای مرکزی گردآورده شده بود) و برای آوردن بخارا و افغانستان در قلمرو روسیه برنامه‌ریزی کرد:

اکنون ما به سمت هند خواهیم رفت و انگلستان را بیرون می‌کنیم؛ افسران کاوفمان لاف زدند. مقامات رسمی روسیه بیانات راهگشای کاوفمان را تأیید کردند که به آسانی می‌توانند شورش در هند را تحریک کنند.^{۳۴} رهبران روسیه به ایجاد ارتباط نزدیک با آسیای مرکزی و مشکلات آن پی بردند. ژنرال «اسکولف» - عنصر توسعه‌طلب فعال در هر دو ناحیه - در مورد این که روسیه بتواند بدون تهدید هند در بالکان پیروز شود، تردید داشت: «حضور ما در ترکستان تحت عنوان علایق روسیه، فقط هنگامی در بین عوام موجه است، که تلاشی برای آن باشد تا مشکلات شرقی را حل کند. از خلال الطاف ما نسبت به این ناحیه؛ چرا که در حالی دیگر این کتک خوردن به زحمت‌اش نمی‌آورد و تمام پول‌های جذب شده در ترکستان تباه شده است»^{۳۵}.

«طرح امنیتی هند» (طرح گیرس وزیر امور خارجه) در ۱۸۸۰ پذیرفته شد. این طرح در چارچوب شکل‌دهی به تمام سیاست بی‌طرفانه‌ی شرقی انگلستان بود و این خود موجب پدید آمدن مشکلات اجرایی برای روسیه خواهد شد. پیشروی‌های روسیه در آسیای مرکزی برای تصرف هندوستان نبود، بلکه برای اعمال فشار بر انگلستان و انزوای ارتش آن بود.^{۳۶} از جانب غرب، روسیه به سمت ترکستان حرکت کرد. در ابتدا بریتانیا ساکت ماند. واحه مرو؛ نه درآمد، نه سلطه و نه هیچ‌گونه امنیتی برای روسیه نمی‌تواند داشته باشد (این را اداره هند در اکتبر ۱۸۷۷ ابراز داشت^{۳۷}). در مورد پیشروی‌های روسیه در صحرای ترکستان، «لرد هارتینگتون» خاطر نشان ساخت: «با تمام دردهایش از آن مراقبت می‌کند و از توسعه‌ی نامحدود موقعیت

نظامی‌اش در یک منطقه مسکونی بی‌حاصل با قبایل نامتمدن و خشن^{۳۸}.» با وجود این؛ تسخیر «گوک تپه» در سال ۱۸۸۴ روسیه را به مرزهای ایران رساند؛ انضمام مرو در سال ۱۸۸۴، افغانستان را در معرض خطر انداخت و موجب پدید آمدن نگرانی در انگلستان شد. مرو، برای تجارت روسیه با خانات و ایران حیاتی بود و ارتش‌های ترکستان و ماورای خزر را به هم وصل می‌کرد. انگلستان با ساخت راه‌آهن استراتژیک به سمت «یوتا»، عکس‌العمل نشان داد. برای برآوردن آرزوی داشتن یک مستعمره‌ی دائمی در آسیای مرکزی، لندن بر تعیین فوری حدود مرزهای افغانستان اصرار داشت. اما روسیه از زمانی که نیروهایش به سمت جنوب پیشروی می‌کردند، این کار را به تأخیر انداخت. درگیری کوچک روسیه با افغان‌ها در «پنججه» (۲۹ مارس ۱۸۸۵) تقریباً موجب جنگ انگلیس - روسیه شد؛ اما روسیه عقب‌نشینی کرد و گذرگاه سوق‌الجیشی «ذوالفقار» را به افغانسان پس داد. با پر کردن خلاء قدرت در آسیای مرکزی، روسیه تا حد ممکن بدون جنگ پیشروی کرده بود.

توافق سال ۱۸۸۵ میلادی به بحران رقابت روس و انگلیس در منطقه پایان داد. از سال ۱۸۸۵ تا ۱۹۰۵، اگر چه رقابت روس و انگلیس به ایران و شرق دور منعطف شد؛ اما ترکستان کماکان به عنوان تهدیدی برای هندوستان باقی ماند. در جنگ با افغانستان و یا هند (کاپیتان «اسکرسکی» از ستاد کل در ۱۸۹۱ نوشت): «کوه‌های پامیر می‌تواند منابع قابل ملاحظه‌ای برای روسیه فراهم سازد: «آیا ارتش اصلی ما از بخارا دست به اقدام بزند یا از مرو؟ یک گروه در پامیر می‌تواند بدخشان شمالی را تهدید کند و تاحدی می‌تواند بخش مهمی از نیروهای دشمن را از میدان اصلی جنگ منحرف کند».

بر طبق توافق سال ۱۸۹۵ میلادی، روسیه بخشی از منطقه مورد مناقشه پامیر را واگذار کرد، روسیه و بریتانیا مناطق تحت نفوذ خود را مشخص کردند و منطقه باریکه چپ قلمرو افغانستان را بین خود قرار دادند. در این اثنا، ستاد کل ارتش روسیه، مسیرهایی را از میان کوهستان‌ها بررسی کرد. در ظاهر امر، روسیه هرگز برای تجاوز به هندوستان برنامه‌ریزی نکرد، اما از حربه‌ی تهدید استفاده می‌کرد. در ۱۸۹۹ نیکلای دوم چنین ابراز داشت که می‌تواند برای «جنگ بوئر» از طریق ارسال تلگراف به ارتش ترکستان برای پیشروی به سمت مرزهای هند، تصمیم بگیرد؛ اما اساساً از این امر اجتناب ورزید چرا که ترکستان هنوز از طریق خط آهن به مناطق داخلی روسیه متصل نبود.^{۳۹} معنی اصلی هندوستان برای ما این است که موقعیت

در دهه‌ی ۱۸۷۰، مقامات رسمی روسیه و افکار عمومی آن بر سر ارزش مادی ترکستان توافق نداشتند. «کاوفمان» و «گالاس»، از اهمیت نظامی، سیاسی و اقتصادی آن دفاع کردند

اهمیت ترکستان



آسیب‌پذیر بریتانیای کبیر را می‌نمایاند. جای حساسی که ما دست روی آن گذاشته‌ایم، امکان دارد که به آسانی حکومت علیاحضرت ملکه بریتانیا را ترغیب کند تا سیاست خصمانه‌اش را نسبت به ما تغییر دهد و در مخاطرات مکان‌هایی که علایق ما ممکن است با هم برخورد داشته باشد، سر تسلیم فرود آورد.^{۴۰}

تا زمان جنگ روس و ژاپن، رهبران بریتانیا قدرت روسیه را بیش از حد بزرگ نشان می‌دادند و برای تجاوز به هندوستان از طریق ایران (تحت افزایش سلطه‌ی روسیه بر ایران) بیم داشتند. در سال ۱۸۹۵ یک‌چهارم ارتش فعال انگلستان در هند مستقر بود و این هرگونه مداخله در مشاجرات اروپایی را پیچیده می‌کرد.^{۴۱} شاید انگلستان می‌توانست روسیه را از آسیای مرکزی براند؛ اما در این خلال، حضور نظامی بعدی؛ بر منابع مالی هند فشار می‌آورد و امکان داشت که هند غیرقابل کنترل شود. در پاسخ؛ «سرهانری بریکنبری» (مدیر اداره‌ی اطلاعات ارتش) بر از نو برقرار ساختن نفوذ بریتانیا در ایران تصریح کرد. در آن وقت ما پیشروی‌های روسیه در آسیای مرکزی را به هیچ می‌گیریم. یک خط‌آهن از خلیج فارس به سمت تهران می‌تواند ما را به گرفتن گلوگاه‌های ارتباطی روسیه در دریای سیاه، قادر سازد. او اعتقاد داشت هدف اصلی روسیه «کنستانتینوپل» بود و سایر فعالیت‌هایش در آسیای مرکزی جانبی بود. با رد پیشنهاد «بریکنبری» برای ترسیم یک خط آهن از هندوستان؛ لندن در مورد ستیز با روسیه دوباره مصمم شد تا در هندوستان موقعیت خویش را حفظ کرده و در نقاط دیگر دست به اقدام متقابل بزند.^{۴۲} اکنون رهبران روسیه تزاری متوجه پتانسیل اقتصادی ترکستان شدند. حوزه‌ی تاشکند در سال ۱۸۹۰ پیشرفت چشمگیر منطقه را نشان می‌داد بعد از بازدید وزیر دارایی - «ویشتگرادسکی»- از آن، ترکستان را این گونه خطاب قرار داد «جوهری در تاج تزار روسیه».^{۴۳}

«برادوفسکی» نیز این چنین ادعا کرد؛ «مستمره‌ای که برای همیشه به امپراطوری پیوسته است». یک بازار دائمی برای تولیدات روسی و ناحیه مستعدی برای سکونت.^{۴۴} خط آهن آسیای مرکزی یک چنین خوش‌بینی‌ای را پروبال داد. ساخت این خط آهن در سال ۱۸۸۰ برای پشتیبانی از عملیات نظامی «اسکولف» در ترکمانیه آغاز شد؛ این خط آهن به‌زودی موقعیت استراتژیک و اقتصادی منطقه را دگرگون ساخت. یک ناظر آلمانی چنین ابراز داشت: «خط آهن از میان صحرایی گذر می‌کرد که انگلستان به آن به‌عنوان حفاظی برای هند توجه داشت، به‌طور هم‌زمان امکان تقویت دسته‌های نظامی بزرگ‌تر را از ترکستان فراهم می‌سازد، مناطق قفقاز و ولگا به سمت عشق آباد و مرو، به‌طور دائمی ارتباط می‌یافت و استان ماورای خزر را با مرکز واقعی طبیعی، یعنی ترکستان. اعتبار روسیه در آسیای مرکزی تحکیم می‌یافت. روسی‌سازی در مستملکات آسیایی پیشرفت می‌کرد».^{۴۵} به‌رغم تردیدهای «اسکولف» و سایر ژنرال‌ها؛ وزیر جنگ پیشروی‌ها را تا سمرقند و تاشکند ادامه داد. ژنرال «چرنیایف» پتانسیل اقتصادی و نظامی خط آهن را مورد تردید قرار داد. وی در این که این خط می‌توانست از وسط صحرا کشیده شود، تردید داشت.^{۴۶} در سال ۱۸۸۹

«لرد کرزن» عقیده داشت که یک چنین عملیات امدادی تقویتی برای یک نبرد جزئی، می‌تواند نشان از یک سیاست قطعی داشته باشد؛ یک امپراطوری با چنین کیفیت و وسعتی؛ به‌گونه‌ای که بخشی از یک طرح بزرگ را ضمانت کند، که اکنون به عنوان تهدیدی برای انگلستان و هشدار برای آسیای شرقی می‌شود. خط آهن، نواحی آسیای مرکزی را به هم پیوند داد که قبلاً به وسیله صحرا از هم جدا بود و موجب استقلال بخارا تحت حاکمیت روسیه شد. «لرد کرزن» به درستی متوجه شد که آینده‌ی تجارت تا حد فراوانی درخشان است و انگلستان باید بالاخره این مسأله را به‌عنوان یک دشمن برای بازرگانی‌اش و نسبت به تفوق امپراطوری در شرق؛ مورد توجه قرار دهد.^{۴۷} با تجارت پرجاذبه ترکستان و محصول کتان، خط آهن آسیای مرکزی تولیدات روسی را به بازارهای آسیا و مواد خام ترکستان را به کارخانه‌های روسیه حمل کرد. خط آهن اورنبرگ - تاشکند در سال ۱۹۰۵ تکمیل شد و ارتباطات آسیای مرکزی را با روسیه تقویت کرد. «دلسپس»، کسی که ادعا داشت می‌تواند بازارهای جدیدی برای روسیه در آسیای مرکزی ایجاد کند و این ادعا مبنای دلایل استراتژیک نظامی وزیر جنگ قرار گرفت. تا سال ۱۹۰۸ کالایی به ارزش ۱۴۵۰۰۰۰ روبل به روسیه حمل شد و حدود ۱۱۸۰۰۰۰۰ به ترکستان وارد شد.^{۴۸} ترکستان منبع اصلی کتان خام و ابریشم امپراطوری روسیه شد. مساحت زیر کشت کتان تا بحران سال ۱۹۰۱ میلادی؛ به سرعت توسعه یافت.^{۴۹}

وزیر کشاورزی انتظار داشت که ترکستان بالاخره بتواند روسیه را از کتان امریکایی بی‌نیاز کند. در سال ۱۹۰۵ ترکستان حدود یک سوم نیازهای روسیه را تأمین کرد.^{۵۰} کشت ابریشم نیز در وضعیتی مشابه به‌سرعت افزایش یافت. پرورش علمی کرم ابریشم توسط «کاووفمان» آغاز شد و به دست «فون راسنباخ» بیشتر توسعه یافت. در سال ۱۸۹۰ ترکستان بخش اعظم کتان مورد نیاز صنایع روسیه را تولید می‌کرد.^{۵۱}



در درجه دوم اهمیت قرار داشت. صدر اعظم «استولی پین»؛ خواهان روابط حسنه با انگلستان بود تا روسیه بتواند بدون ترس از یک جنگ آسیایی بر امور داخلی اش متمرکز شود. «سازنوف»، وزیر امور خارجه بعدی، موافقت کرد: «موقعیت داخلی ما، به ما اجازه تعقیب یک سیاست خارجی تهاجمی نمی‌دهد»^{۵۵}.

این چنین حمایتی، «ایزولسکی»، وزیر خارجه، را به انعقاد قرار داد ۱۹۰۷ م قادر ساخت که به رقابت روس و انگلیس در مورد افغانستان و تبت پایان داد و ایران را به ۳ منطقه؛ تحت نفوذ روسیه، بریتانیا و یک منطقه بی‌طرف تقسیم کرد. او ابراز داشت که برخی از دیپلمات‌ها و نظامیان روسی آموخته بودند و هیچ چیزی را فراموش نکرده‌اند؛ روس‌ها از سیستان، خلیج فارس و اقیانوس هند صحبت می‌کنند. دقیقاً به‌مانند گفت‌وگوهای قبل از جنگ با ژاپن در منچوری، کره و اقیانوس آرام. با استفاده از نیروی بریگاد قزاق در تهران؛ ارتش روسیه استقلال ایران را زیر پا لگدمال کرد. لندن نیروهای قابل ملاحظه‌ای در هند و خلیج فارس باقی گذاشت؛ اما به منظور باقی ماندن در شرایط خوب با روسیه، نسبت به مزاحمت‌های گاه و بیگاه در ایران تسامح نشان داد. اما برای نگرانی «ایزولسکی»، بریتانیا؛ کمک به روسیه را جهت حل گرفتاری‌ها نپذیرفت^{۵۶}. دورنمای استراتژیک در خاورمیانه مورد توجه روسیه قرار گرفت. بدون تجزیه ایران و افغانستان؛ «برات» کلنل بریتانیایی در ۱۹۱۵ نوشت: کاملاً آسان است تصور این که چگونه در سال‌های آینده روسیه می‌تواند افغانستان و هند را با تمام منابع نظامی‌اش از مستملکات گسترده‌ی اروپایی - آسیایی؛ تهدید کند^{۵۷}. «چنانچه روسیه در جنگ جهانی اول باقی مانده بود، می‌توانست شمال ایران، شمال شرقی آناتولی و بغازهای ترکیه را به دست آورد.

منطقه‌ای که مواد خام حیاتی را به کشور مادر می‌فرستاد و محصولات صنعتی روسیه را مصرف می‌کرد. شمار دهقانان روسی مستعمره شمال آسیای مرکزی، افزایش یافت. به‌ویژه پس از قحطی سال ۱۸۹۱ در ولگا؛ هرچند اغلب مهاجران به سمت سیبری رفتند.

در ترکستان سکونت‌گاه‌های اصلی عناصر روسی، چیزی بالغ بر پنجاه و پنج در ۱۸۹۷ و شصت عدد در ۱۹۰۶ میلادی بود. این کلنی‌ها اغلب در «چیمکنت» و «آنولی - آتا»، یعنی نواحی که طوایف محلی ناخواسته سرزمین خود را به روس‌ها واگذار کردند، قرار داشت. در ۱۸۹۶ زمین‌های قابل استفاده تمام شد و ترکستان ظاهراً تمام شده بود؛ اما هجوم کماکان ادامه یافت^{۵۸}.

مقامات رسمی چون «یرملوف» و «ویشنگرادسکی» دانستند که آینده‌ی ترکستان به‌عنوان تولیدکننده‌ی کتان و منطقه‌ای برای سکونت، به آب‌یاری بستگی داشت. خزانه‌داری برای آب‌یاری ۲۰۹۷۵۰ دسیاتین از زمین‌ها برنامه‌ریزی کرد که بیشتر در استپ‌های خشک بود؛ اما در سال ۱۹۰۵ فقط ۱۲۰۰۰ دسیاتین از زمین‌ها آبی شد^{۵۹}. به فاصله ۱۸۸۵ تا ۱۹۰۵، سن پترزبورگ درصدد توسعه‌ی پتانسیل‌های ترکستان برآمد، اما هم منابع سرمایه‌ی دولتی و هم منابع خصوصی نشان دادند که ناکافی هستند. به فاصله سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷ اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی برای روسیه کاهش یافت. جنگ با ژاپن، انقلاب ۱۹۰۵ و بدهی‌های سنگین، آزادی عمل روسیه را در خارج محدود ساخت و رؤیای توسعه امپراطوری در آسیا را نقش بر آب کرد.

«تو- هانتیج» اظهار داشت: «ترکستان امروز می‌تواند به‌طور کلی از صحنه‌ی مشاجره سیاسی جهان کنار گذاشته شود»^{۶۰}. «رهبران روسیه بر بالکان و تهدیدات قدرت‌های مرکزی متمرکز شدند و منافع آسیایی



به یکباره خانات آسیای مرکزی تحت کنترل روسیه
درآمدند و روسیه بر هندوکش حکمفرما شد.
مهاجران، فرهنگ روسی را به قلب آسیا آورده بودند

اهمیت ترکستان

«آمینوف» مورخ اهل شوروی، تأکید کرد که در سال ۱۹۱۴؛ فقر کشاورزان محلی، استفاده‌ی بی‌رویه از زمین و بالا رفتن قیمت غله، بحران کتان را در پی داشت. تجارت شرقی کتان ترکستان، کاملاً نسبت به روسیه‌ی اروپایی اهمیت کمتری داشت. پاک کردن گیاه کتان، ۸۵ درصد ارزش تولید صنعتی ترکستان را تشکیل می‌داد، هیچ کارخانه‌ی نساجی در آن‌جا فعالیت نداشت. هنگامی که یک سرمایه‌گذار روسی طرح احداث یک کارخانه نساجی را در سمرقند برنامه‌ریزی کرد؛ فرماندار کل - «سامسونوف» - ابراز داشت: «به او پاسخ منفی دهید»، او اشاره داشت که توسعه‌ی صنعت نساجی در این منطقه، می‌تواند صنعت نساجی روسیه را ضعیف کرده و خطوط آهن را از امتیاز حمل و کرایه‌ی کالا بی‌نصیب سازد». به هر صورت، افزایش محصول، علی‌الظاهر ادعای «آمینوف» را در خصوص بحران کتان، رد می‌کرد.^{۶۲}

مقامات رسمی روسیه در خصوص این‌که آیا ترکستان می‌تواند روسیه را به طور کامل از کتان آمریکایی مستقل سازد، در اندیشه بودند. «پالن» گفت: «روسیه نمی‌تواند به سپرده‌های گوناگون خارجی و نرخ‌های مصوب دل‌خواهانه بورس‌های کتان لندن و آمریکا، وابسته باشد؛ بلکه خودش می‌تواند در خصوص تنظیم نرخ مستقل عمل کند».^{۶۴} بازدید از ترکستان در ۱۹۱۲، روابط اقتصادی روس و آمریکا را وخیم‌تر کرد، «گریوشین» بر دو برابر شدن درصد زمین‌های آبی کشت کتان و ساخت یک خط‌آهن از سمی پالاتینسک جهت آوردن گندم به ترکستان، حمایت کرد.^{۶۵} شاهزاده «ماسالسکی» تأکید کرد روسیه می‌تواند در محصول کتان خودکفا شود؛ اگر چهارمیلیون دسیاتین زمین از طریق آب رودخانه‌های آمودریا و سیر دریا آبیاری شود و ¼ زمین‌ها، زیر کشت کتان برود. «این پیشنهاد بسیار مهم و عظیم است و ما باید هر کاری را برای رسیدن به آن انجام دهیم».^{۶۶} اما دوران رژیم تزاری به سر آمد.

ایریشم خام واحه‌های فرغانه و تاشکند در میان صادرات ترکستان مقام دوم را داشت. تولید کتان از ۳۸۹۰۰۰ در سال (۱۹۰۰) به ۴۵۰۰۰۰ بود در سال (۱۹۱۰) افزایش یافت، یعنی چیزی کمتر از نود درصد درآمد روسیه. اما، آفت‌ها مقدار آن را به ۲۹۵۱۴۰ پود در سال ۱۹۱۳ کاهش داد. هم‌چنین برنج، ذرت خوشه‌ای، ذرت بلال، تنباکو و بوته کتان نیز با ارزش بودند. افزایش چارپایان، به‌ویژه گوسفند و گاو (۲۲۰۰۰۰۰۰)

توسعه‌ی روسیه در آسیای مرکزی، این موقعیت مساعد را برایش خلق کرده بود.

سهام اقتصادی ترکستان با ادغام در اقتصاد روسیه، به سرعت افزایش یافت. خط آهن اورنبرگ - تاشکند؛ رونق کتان را در فرغانه موجب شد؛ جایی که سرمایه‌های فراوان بخش خصوصی روسیه را به خود جذب کرد. در سال ۱۹۱۰، کتان خام بیش از نیمی از ارزش تولیدات اولیه ترکستان را تشکیل می‌داد. از ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۱ محصول کتان (شامل بخارا و خویه) بیش از سه برابر شد.^{۶۸} حتی بدون سیستم آبیاری جدید، در بین سال‌های ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۶ مساحت کشت کتان بیش از دو برابر شد. بعد از سال ۱۹۰۹، کتان ترکستان و قفقاز حدود نیمی از نیازمندی‌های روسیه را تأمین کرد و حدود هفتاد درصد را در سال بسیار مساعد ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۵،^{۶۹}

اکنون امپراطوری روسیه؛ ترکستان را بعنوان یک مزرعه‌ی کتان بسیار بزرگ در نظر داشت. برای پرورش محصول کتان؛ روسیه وظیفه‌ی خطیرش را مبنی بر واردات کتان و دادن مصونیت مالیاتی به تولیدکنندگان داخلی ادامه داد. یک گزارش رسمی اعلام داشت که فرغانه و ترکستان می‌توانند هدف اقتصادی آن‌ها را تحقق ببخشند در صورتیکه تولید کتان و ابریشم تا منتهای درجه، توسعه یافت.^{۷۰} ترکستان باید روی کتان متمرکز شود. وزیر کشاورزی «گریوشین» تأیید کرد که: «یک چنین سیری برای زندگی اقتصادی منطقه از نظریه دولت مرکزی کاملاً طبیعی و معقول است؛ هر پود گندم اضافی ترکستان با گندم روسیه و سبیری رقابت می‌کند؛ و هر پود کتان ترکستان با کتان آمریکایی. سپس فراهم ساختن منطقه‌ای با اندیشه وارد کردن غله گران‌قیمت و داشتن زمین‌های آبی آزاد جهت کشت کتان؛ مرجح خواهد بود».^{۶۱} کشت گندم کاهش یافت، به‌گونه‌ای که ترکستان حتی به غله وارداتی از روسیه بسیار وابسته شد. در سال ۱۹۱۰، ترکستان کتان خامی به اندازه‌ی کتان تولیدی «لوئیزیانا» را عمدتاً در قطعات زمین کوچک و با تکنولوژی محلی متمرکز، عمل می‌آورد. خط آهن تاشکند - اورنبرگ محصول را به مسکو آورد. یک اقتصاد پولی پیشرفته قیمت زمین را افزایش داد و موجب بدهکاری و بی‌زمین شدن کشاورزان ازبک شد. به دنبال نگرانی از این مانع تولید، «پالن» از اعطای وام ارزان برای جدا ساختن اهالی بومی کشاورز از دست رباخواران، جانبداری کرد.^{۶۲}

«سرهانری بریکنبری» بر از نو برقرار ساختن نفوذ بریتانیا
در ایران تصریح کرد. او معتقد بود یک خط آهن از خلیج
فارس به سمت تهران می‌تواند انگلستان را به گرفتن
گلوگاه‌های ارتباطی روسیه در دریای سیاه، قادر سازد

اهمیت ترکستان

اروپایی روسیه، برای آن‌ها اغلب محصولات صنعتی می‌فرستاد و مواد خام دریافت می‌کرد^۱. حتی خزانه‌داری سلطنتی، اکنون به ترکستان و مازاد ثروت آن اعتقاد داشت. نرخ مالیات، پایین نگاه داشته شد، اما بعد از سال (۱۹۰۶ م) درآمد‌ها؛ با بالا رفتن سود ناخالص، از هزینه‌ها پا فراتر نهاد. حتی هنگامی که تمام هزینه‌های نظامی به حساب آن گذاشته شد، ترکستان یک توازن نامنظم با کشور مادر به دست آورده بود. «پالن» ابراز داشت که روسیه به ترکستان از طریق قیمت‌های بالای داخلی کتان، کمک کرده بود. به هر صورت، مقامات رسمی و ارباب جراید روسیه در این زمان، از این مستعمره‌ی فرضی بدون منفعت؛ اظهار تأسف کردند. با شکست در منظور نداشتن تمام درآمد‌ها، آنان در نرخ‌های حمایتی مبالغه کردند و نرخ‌های ناملموس را کنار نهادند. «آمینوف» در این خصوص ابراز داشت: «ترکستان بی‌ثمر؛ برای روسیه افسانه‌ای از یک محصول اجرایی بود. در واقع منطقه‌ی ترکستان مستعمره‌ای سودمند برای روس تزاری و یک منبع عمده جهت استخراج منافع فراوان برای سرمایه‌داران کشور مادر (روسیه) بود^۲.

به هر صورت، به مانند اغلب مستعمرات دیگر، ترکستان نیز در جذب جمعیت مازاد سرزمین مادر، ناموفق بود. در می ۱۹۰۵ مقامات رسمی سن پترزبورگ، از کمبود زمین قابل کشت در ترکستان بی‌اطلاع بودند؛ فرماندار کل نوشت: «ما باید توجه ویژه‌ای به منطقه‌ی ترکستان به‌عنوان منطقه‌ای گسترده و دارای زمین‌های بلااستفاده، داشته باشیم». از دیدگاه حکومت مرکزی به عنوان سکونت‌گاهی برای مهاجرین از ایالت‌های داخلی و عاملی برای تحکیم قدرت روسیه ضروری قلمداد می‌شد. ترکستان می‌تواند جای مطمئنی برای ارسال جمعیت اضافی با خاک سیاه حاصل‌خیز، به آن‌جا باشد^۳. در سال ۱۹۱۴ جهانگرد بریتانیایی «استفان گراهام» - جمعیتی از مهاجرین روسیه‌ی مرکزی را در حال عزیمت به شرق مشاهده کرد. آنان سرزمین آسیای مرکزی را هم‌چون «سرزمین طلا» تلقی می‌کردند؛ مکانی که محصولات شگفت‌انگیزی تولید می‌کرد. روسیه پیش‌بینی کرد که می‌تواند به زودی تا مقدار فراوانی بر منابع غذایی جهان بیفزاید^۴. یک چنین توقعاتی از ترکستان - که فاقد زمین‌های آزاد بود - نامعقول جلوه می‌کرد.

از سال ۱۸۹۴ تا ۱۹۱۴ حدود یک صد هزار روس در ترکستان

رأس در ۱۹۱۰ تقریباً در مقامی برابر با کشاورزی قرار گرفت. اسب‌های مناسب برای نخبگان سواره‌نظام قزاق روسی تأمین می‌شد^۵. خط آهن اورنبرگ - تاشکند تولید میوه را نیز فعال کرد؛ به‌ویژه خربزه و انگور، که به صورت تروتازه، مستقیماً با کشتی به روسیه‌ی اروپایی حمل می‌شد. میوه عمدتاً در ایالات فرغانه و سمرقند تولید می‌شد. ترکستان چیزی بالغ بر ده تا دوازده میلیون پود انگور تولید کرد که مقداری از آن توسط روس‌ها به شراب تبدیل شد. منابع غنی معدنی مورد بهره برداری قرار گرفت. استخراج ذغال سنگ با ساختن خط‌آهنی باریک به سمت معادن ذغال سنگ به سرعت رشد پیدا کرد^۶. پس از سال ۱۹۰۰ معادن نفت نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفت و در سال ۱۹۱۰ فرغانه (عمدتاً ناحیه مارگیلان) ۸۴۶۷۴۱ پود تولید می‌کرد. کشفیات نفت «امبا» در نزدیکی «کراسنودسک» موجب رقابت شدید بر سر انعقاد قرارداد شد؛ در سال ۱۹۰۹، تولید تا ۱/۷۷۰/۳۳۰ پود افزایش یافت. تصفیه نفت در ۱۹۰۱ آغاز شد و به سقف ۱۳ میلیون پود در سال ۱۹۱۳ رسید^۷. در برخورد با ترکستان به عنوان یک مستعمره، حکومت امپراطوری نسبت به تولید صنعتی در آن‌جا بی‌توجهی می‌کرد و از سرمایه‌گذاری خارجی در آن‌جا ممانعت به عمل می‌آورد.

گزارش کنگره حزب کمونیست در سال ۱۹۲۹، روابط مستعمره را با کشورهای مادر تحت سرمایه‌داری، توصیف می‌کرد، و فرآورده‌های خوبی را برای ترکستان: «بر اساس یک قانون کلی، مواد خام تولیدی مستعمره، نمی‌تواند در خود آن مستعمره تبدیل شود، بلکه در کشورهای سرمایه‌داری و به‌ویژه در کشورهای مادر، سودها، جذب می‌شود و در کشور مادر یا مناطق متصرفی جدید سرمایه‌گذاری می‌شود»؛ یعنی عقب نگاه داشتن توسعه‌ی نیروهای تولیدی کشور مستعمره.

«آمینوف» - تأکید داشت که با استثمار ترکستان و سیبری، سرمایه‌داری روسیه تضادهای درونی‌اش را کاهش داده است^۸. اهمیت بازرگانی ترکستان برای روسیه پیوسته افزایش یافت. در سال ۱۹۱۰، به‌طور کلی حجم بازرگانی - شامل بخارا و خیوه - برابر با ۴۰۰۰۰۰۰۰ روبل بود. صادرات اصلی ترکستان (به جز روغن پنبه‌دانه؛ کنجاله، قالیچه و شراب) مواد خام و محصولات کشاورزی بود و وارداتش عمدتاً کالاهای تولیدشده در روسیه.

در سال ۱۹۱۰ میلادی؛ تجارت روسیه با همسایگان آسیایی‌اش (ایران، افغانستان و چین) با مقدار ۳۲۰۰۰۰۰۰۰ روبل برابر بود. بخش



زمین را در تملک داشت، شامل؛ ۱۶۰۰۰۰۰ در بخارا و ۳۵۰۰۰۰ در خیوه. اهالی بومی بیش از ۷۵۰۰۰۰ دسیاتین از زمین‌های آبی را به فاصله‌ی سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۷ دوباره به دست آوردند و روس‌ها فقط حدود ۴۵۰۰۰ دسیاتین را آبیاری کردند. نظر به این‌که فاتحان روس از زمان‌های گذشته نامشان با یک سیستم آبیاری عمده پیوند داشت، لذا «کریوشین» ابراز تأسف کرد که: «دولت روسیه و وزارت دارایی تقریباً هیچ اقدامی انجام نمی‌دهند». مقصر، فقدان سرمایه، توسعه‌نیافتگی تکنولوژیک و پرسنل تعلیم یافته‌ی ناکافی و ساختار ضعیف بود. برنامه‌ی «کریوشین» به یک بیلیون روبل و بیست سال زحمت جهت عملی شدن نیاز داشت.^{۷۸}

با این وجود؛ روسیه در سال ۱۹۱۴ میلادی چیزهای بیشتری را به دست آورد. هانتیچ، که بعدها از ترکستان بازدید کرد، امنیت شخصی و مالکیت را شناخت. نیروهای نظامی عمدتاً برای دفاع بیرونی بودند و نیروی پلیس ازبک و روسی ناچیزی نظم عمومی را برقرار می‌ساخت. ازبک‌ها از استقلال خود در حکومت محلی، تشکیلات قضایی و مذهبی شادمان شدند. روسیه یک قدرت استعماری موفق خواهد بود. «ماسالسکوفسکی» از انهدام یک جامعه‌ی فرسوده مسلمان شاد شد و چنین گفت: «فرهنگ جدید و پویای روسی با اقتدار در حال رشد است» و بدون تردید اقامت بیشتر تحقق یافت. منابع معدنی در انتظار بهره‌برداری بودند. خط آهن طولانی‌تر، مساحت زمین‌های زیر کشت کتان را توسعه داد و سیستم آبیاری فراگیری لازم و ضروری بود.^{۷۹}

«کریوشین» بر سه اقدام اساسی، که روسیه هنوز در ترکستان باید آن‌ها را انجام می‌داد، تأکید داشت: یک جنبه‌ی بسیار روشن که در افکار عمومی روسیه نیز واضح بود، کتان، دومین، آموزش و سیستم آبیاری و مرحله‌ی سوم که هنوز مبهم است - اما شاید مهم‌ترین آن‌ها باشد -

اسکان داده شدند. یعنی حدود سه درصد کل جمعیت روسیه‌ی آسیایی. یک منبع رسمی تأکید کرد که: «در ترکستان مبنایی جهت امیدوار بودن به آوردن شمار بیشتری جمعیت روسی به این مناطق وجود ندارد. مناطقی که اکنون مسکون شده و با مهاجرت‌ها، ویژگی‌های قومی می‌توانست تغییر یابد. لزوم اقدام دولت برای این‌که در حال حاضر بخشی از ترکستان جهت اسکان روس‌ها مهیا شود، وجود دارد. ترکستان به عنوان بخش لاینفک از روسیه یک‌پارچه قلمداد می‌شود». درصد روس‌ها در جمعیت ترکستان از ۳/۷ درصد در سال ۱۸۹۷ به ۶/۳ درصد در سال ۱۹۱۳ افزایش یافت یعنی حدوداً ۶۵۰۰۰۰ نفر.^{۷۵} سکونت‌گاه‌های روسی در مرزهای ایمن طراحی شدند که اکثراً در طول رودخانه سیردریا و در ایالت «سیمرج» بودند. مستعمره‌سازی؛ سکونت‌گاه‌های روس‌نشین را به‌مانند جزیره‌ای در دریای بومی ایجاد کرد. در ۱۹۱۲ «کریوشین» پیشنهاد «یک ترکستان جدید روسیه» را داد: ۱۵۰۰۰۰۰ ساکن روس منطقه می‌تواند ۴۰۰۰۰۰۰ دسیاتین از زمین‌ها را آبیاری کند؛ عنصر روسی قدرتمندی ایجاد شود و کنترل سیاسی روسیه را حکمفرما کند.^{۷۶} «پالن» با مطالعه‌ی دقیق‌تر خاک و آب و هوای ترکستان، ابراز داشت؛ که ترکستان می‌تواند زمین مناسب کوچکی را برای هر دهقان کشاورز روسی فراهم سازد. اما، اداره‌ی مهاجرت که مهاجرت را کنترل می‌کرد، آن را ناکافی دانست. هم‌چنین شماری از سربازان آسیای مرکزی نیز از جنگ بازگشتند.^{۷۷} برخلاف سبیری، ترکستان سوپاپ اطمینانی برای آرام ساختن سرزمین‌های فقیر روسیه‌ی اروپایی نبود.

مستعمره‌سازی به میزان بسیار نزدیکی با آبیاری ارتباط داشت، چراکه کشاورزی فشرده محصولات اصلی ترکستان فقط در زمین‌های آبی امکان‌پذیر بود. آسیای مرکزی در سال ۱۹۱۳ (۴۷۵۸۰۰۰) دسیاتین

پی‌نوشت:

- 1 . S. Becker, Russia's Protectorates in Central Asia: Bukhara and Khiva, 1865-1924 (Cambridge, Mass., 1968), pp. 1113-; Pierce, pp. 190192-; A. M. Aminov, Ekonomicheskoe razvitiie Srednei Azii (Tashkent, 1959), p. 66.
- 2 . "Russo-British Relations in the Eighties," Slavonic Review 3, no. 7 (June 1924): 179180-.
- 3 . A. O. Diugamel', "Avtobiografiia," Russkii Arkhiv 2(1885): 414162. (1885) 3 :415-.
- 4 . V. A. Dolinsky, Ob otnosheniakh Rossii k Sredne-Aziatskim vladeniim (St. Petersburg, 1865), pp. 354-13,51-.
- 5 . Golos, "Po povodu prisoineniia Tashkenta," no. 289, 1866; "Po povodu tolkov inostrantsev," no. 302, 1866; «Po povodu tolkov o zavoevatel'nykh zamyslakh Rossii,» no. 89, 1867.
- 6 . M. Glukhovskiy, Zapiska o znachenii Bukharskogo khanstva dlia Rossii (St. Petersburg, 1867).
- 7 . M. K. Rozhkova, "Iz istorii torgovli Rossii so Srednei Aziei," Istoricheskie zapiski , 187: (1960), 67ff.; Aminov, pp. 181182-.
- 8 . A. Vambery, The Life and Adventures of Arminius Vambery (London, 1914), p. 308.
- 9 . Public Record Office (London), Foreign Office, 85/869, Lumley's observations, June 15, 1867.
- 10 . F. Bykov, "Beglyi rasskaz," Voennyi Sbornik 66 (April 1869): 306308-.
- 11 . A. K. Geins, Sobranie literaturnykh truchov (St. Petersburg, 1897:2:5 (98-).
- 12 . Alexander 2 commented: "I find this very sensible." Voennno-istoricheskii Sbornik 2 (1916): 159160-.
- 13 . K. P. fon-Kaufman, Proekt vsepoddaneishego otcheta (St. Petersburg, 1885), pp. 67-.
- 14 . E. Tolbukhov, "Ustroitel' Turkestanskogo kraia," Istoricheskii Vestnik 132 (June 1913), 904907-.
- 15 . FO, 65/1212, "Correspondence from 1864 to 1881," Lawrence to Northcote, September 3, 1867.
- 16 . FO, 65/869, "Correspondence from 1864 to 1881," Buchanan to Stanley, no. 122, June 17, 1868.
- 17 . H. Rawlinson, England and Russia in the East (London, 1875), p. 268; A. P. Thornton, «British Policy in Persia, 1858-1890,» English Historical Review, October, 1945 pp. 558560-.
- 18 . A. V. Eval'd, "Vospominaniia o K. P. fon-Kaufmane," Istoricheskii Vestnik 70 (October 1897): 192; G. P. Fedorov, «Moia sluzhba,» Istoricheskii Vestnik 134 (October 1913): 39.
- 19 . M. P. Fedorov, Khlopkovodstvo u Srednei Azii (St. Petersburg, 1898), pp. 96100-.
- 20 . Maev, Turkestanskaia vystavka v Tushkente (Tashkent, 1891), pp. 7476-; Aminov, pp. 120121-.
- 21 . E. Schuyler, Turkistan, 2 vols. (New York, 1876), 2: 208219-.
- 22 . Russkii Mir, January 30, 1875, p. 1.

مستعمره‌ها یا سکونت‌گاه‌های روسی بود^۸. بر اساس خاطرات آخرین فرماندار ترکستان، چگونگی ضعف کنترل روسیه بر ترکستان آشکار شد. پس از شورش محلی خونین سال ۱۹۱۶ در «سمیرچ»، «کروپاتکین» وضع اسفناک مستعمره ترکستان را توصیف کرد. اقتدار روسیه به شدت متزلزل شد؛ «ما باید مناطقی را که ترسانده بودیم و تحت نظر داشتیم، دوباره به دست آوریم» آن‌ها بعداً ما را دوست خواهند داشت. استعمار روسیه در ترکستان باید برای تأمین کتان، گوشت و اسب‌های سواره نظامی که روسیه به آن‌ها نیازمند بود، باشد. تسخیر رسمی روسیه، سرزمین‌های ازبکان را مصادره کرد و جمعیتی را به آن‌جا انتقال داد. در طول سی سال گذشته، ما به این ناحیه نقل مکان کرده‌ایم؛ به‌گونه‌ای که به مناطق مسکونی جمعیت بومی نزدیک‌تر شده‌ایم، نتیجه‌ی آن وقوع آشفتگی‌ها و هرج و مرج به سبب استخدام کارگران، خونریزی، ویرانی، دشمنی متقابل و بی‌اعتمادی است. نیازهای بیشتر، هدایت جمعیت بومی به سمت مسیرهای صحیح است^۹. تا سال ۱۹۱۷، ترکستان به عنوان یک پایگاه نظامی به‌وسیله روس‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

اهمیت ترکستان برای روسیه در نیم قرن پس از سقوط تاشکند، عمدتاً تغییر یافت. در طول دوران فتوحات، پیروزی‌ها نظامی و توفیقات ابتدایی اجرایی به احیای دوباره‌ی اعتبار متزلزل تزارها کمک کرد. فتوحات روسیه به تجاوزات مخرب راهزنان بیابان‌ها پایان داد، مسیرهای تجاری باز شد، مرزهای مطمئن ایجاد گشت و پایگاهی در نزدیکی هند برپا شد. تسخیر آسیای مرکزی راهی کم‌هزینه و قانع‌کننده برای روسیه بود تا بتواند با سایر قدرت‌ها رقابت کند. به هر صورت در طول دهه‌ی ۱۸۷۰ منتقدان در روسیه اعتقاد داشتند که منابع ترکستان نیاز به توجه بیشتری از طرف سرزمین مادر داشت. به جز گروه اندکی از دوراندیشان؛ رهبران روسیه به پتانسیل اقتصادی ترکستان چندان توجهی نداشتند. پس از سال ۱۸۸۵ به طور فزاینده‌ای ملاحظات اقتصادی بر ملاحظات نظامی و سیاست روسیه در منطقه‌ی ترکستان، برتری داشت. رقابت با بریتانیا فروکش کرد، فاکتورهای نظامی منطقه تقیل یافت و ترکستان، کاوشگران و سرمایه‌گزاران را به خود جذب کرد؛ نه حادثه‌جویان نظامی را.

رشد اهمیت کتان برای روسیه و بالا رفتن سطح رفاه در ترکستان، مدلی از مستعمره را ایجاد کرد که مواد خام حیاتی را به روسیه صادر و کالاهای تولیدی روسیه را، که اغلب در سایر بازارها نایاب بودند، مصرف می‌کرد. خطوط آهن برای اهداف استراتژیک، تجارت را شکوفا ساخت و منابع منطقه را گشود. دهقانان سرزمین‌های فقیر روسیه به ترکستان به عنوان «سرزمین طلا» نظر داشتند. حکومت مرکزی در جستجوی کتان بیشتر، یک مدل وسیع‌تر سیستم آبیاری را طرح‌ریزی کرد و کلی‌های روسی برای حفظ قدرت روسیه و کاستن از فشار بر سرزمین‌های روسیه‌ی اروپایی، ایجاد شدند. در سال ۱۹۱۴ ترکستان در حال پیمودن راهش بود و منافع فراوان نظامی و اقتصادی برای روسیه به ارمغان آورد. این منافع از هزینه‌های فتوحات و امور اداری بیشتر بود. امپراطوری روسیه، به‌رغم اشتباهات و مشکلات مالی، در ترکستان شالوده‌های مدلی از اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی کنونی را بنا نهاد.



- significance.
- 47 . G. Curzon, *Russia in Central Asia in 1889* (London, 1889), pp. 44, 276.
- 48 . Masal'sky, pp. 583584.
- 49 . Demidov, *Ekonomicheskie ocherki khlopkovodstva* (Moscow, 1926), pp. 7172-.
- 50 . Aminov, p. 193.
- 51 . Maev, *Turkestanskaia vystavka*, pp. 125133-.
- 52 . Aminov, pp. 122124-; Masal'sky, p. 326.
- 53 . Ibid., pp. 427429-; Aminov, pp. 230239-.
- 54 . Hoetsch, *Schmollers* 37, no. 2: 372.
- 55 . Special Conference, August 11/24, 1907, *Krasnyi Arkhiv* 69 (1935): 36.
- 56 . Walsh, pp. 5758-; Sumner, pp. 3543-.
- 57 . A. S. Yate, "The Great War and the Middle East," *Journal of the Central Asian Society* 2 (1915): 910-.
- 58 . Hoetsch, *Schmollers* 38, no. 2: 357. In 1908, 208 of Russia's 220 cotton gin factories were in Turkestan. «Relations between Turkestan and Sinkiang, 19001917-» *Central Asian Review* 12, no. 4: 317.
- 59 . Masal'sky, pp. 454455-; Aminov, pp. 221223-.
- 60 . Kokand, *Birzhevoi Komitet. Otchet za 1911 god*, p. 57.
- 61 . A. V. Krivoshein, *ZapChka... o poezdke v Turkestanskii krai v 1912 godu* (St. Petersburg, 1912), pp. 78-.
- 62 . K. K. Palen, *Materialy k kharakteristike narodnogo khoziaistva v Turkestane* (St. Petersburg, 1911), part 1, p. 232.
- 63 . Aminov, pp. 1, 178180-.
- 64 . Palen, *Materialy*, part 1, p. 370.
- 65 . Krivoshein, p. 6,
- 66 . Masal'sky, p. 467.
- 67 . Aminov, p. 146; Hoetsch, *Schmollers* 37, no. 3: 346489 ,348-.
- 68 . Ibid., pp. 480349-348 ,485-. *Turkestan's coal production* (in puds) rose from (1910) 720, 338 to 12,315,105 (1916), Aminov, p. 157.
- 69 . Ibid.; Hoetsch, *Schmollers* 37, no. 3: 385386-.
- 70 . Aminov, pp. 76184-183 ,77-.
- 71 . Hoetsch, *Schmollers* 37, no. 3: 348349-; Aminov, p. 113.
- 72 . Aminov, pp. 100, 178. From 1869 to 1911 the Treasury estimated expenditures in Turkestan at 496,000,000 rubles and receipts of 346,000,000 (including defense). But 1911 showed a surplus of 3,391,000 rubles.
- 73 . Aminov, p. 246.
- 74 . S. Graham, "Impressions of Seven Rivers Land," *Journal of the Royal Central Asian Society* 2 (1915), part 1: 114 ff.
- 75 . *Aziatskaia Rossiia* 1: 56155 ,69-64 ,57-.
- 76 . Krivoshein, pp.4, 67.
- 77 . Palen, *Pereselencheskoe delo* (St. Petersburg, 1910),p. 409.
- 78 . Krivoshein, pp. 3767 ,40; Hoetsch, *Schmollers* 37, no. 3: 361368-; Masal'sky, pp. 427428-; Aminov, pp. 235245-.
- 79 . Masal'sky, pp. 557560-.
- 80 . Krivoshein, p. 40.
- 81 . A. N. Kuropatkin, "Vosstanie 1916 gov Srednei Azii," *Krasnyi arkhiv* 34 (1929): 47 ff.)
- 23 . *Gosudarstvennyi istoricheskii muzei* (Moscow), *Cherniev papers* (hereafter GIM, Cherniaev), *edinita khraneniia* 8, p. 38.
- 24 . Gobs, "Finansovoe polozhenie Turk. kraia," January 24, 1875.
- 25 . Bykov, pp. 308309-; A. I. Maksheev, «Vodvorenii russkoi vlasti v Sredniuiu Aziyu," *Voennyi Sbornik* 63 (September 1868): 132134-.
- 26 . L. F. Kostenko, *Sredniaia Azia* (St. Petersburg, 1871), pp. 329 ff.; "Turkestanskii voiska," *Voennyi Sbornik* 102 (April 1875):203205-.
- Tashkent's trade with the khanates rose from a pre-conquest peak of 5,000,000 rubles to 17,977,618 in 1872.
- 27 . F. K. Girs, *Otchet revizuiushchego* (St. Petersburg, 1883), pp. 366367-.
- 28 . GIM, Cherniaev, ed. khr. 1, 1.31, Cherniaev to Alexander3.
- 29 . Demetrius Boulger, *Central Asian Questions* (London, 1885), p. 19.
- 30 . R. Greaves, *Persia and the Defense of India* (London, 1959), pp. 3536-.
- 31 . Kostenko, "Turkestanskii voiska," p. 205.
- 32 . Greaves, p. 27; G. J. Alder, *British India's Northern Frontier, 18651895-* (London1963,) pp. 165175-.
- 33 . E. Shteinberg, "Angliiskaia versia," *Istoricheskie zapiski* 33 (1950): 5657-.
- 34 . *Kaufmanskii Sbornik* (St. Petersburg, 1910),Ixvii-Ixviii; I. L. Iavorsky, *Puteshestvie russkogo posol'stua po Afganistailu* (St. Petersburg, 18821 :1,(1883-; A. K. Geins, *Sobranie sochinenii*, 3: 381390-.
- 35 . H. S. Edwards, *Russian Projects Against India* (London, 1885),p. 285.
- 36 . W.N. Medlicott, *Bismarck, Gladstone, and the Concert of Europe* (London, 1956),p. 59.
- 37 . Greaves, p. 30.
- 38 . J. Lowe, *The Reluctant Imperialists* (New York, 1967), p. 306.
- 39 . B. H. Sumner, *Tsardom and Imperialism... 18801914-* (London, 1942), pp. 78-.
- 40 . W. B. Walsh, "The Imperial Russian General Staff and India," *Russian Review* 16, no. 2 (April 1957): 5657-. A secret Russian military publication noted: «Turkestan has long been considered and is now a reliable base where Russia will concentrate her forces for a struggle with England, her age-old enemy, vulnerable to us only in his Achilles heel, India.» *Shtab Turkestanskogo Voennogo Okruga. Svedeniia, Vypuski* 1,3-1898.
- 41 . Lowe, *The Reluctant Imperialists*, p. 7.
- 42 . Greaves, pp. 1137 ,13-.
- 43 . Iu. D. Iuzhakov, *Itogi* (St. Petersburg, 1895), p. 74.
- 44 . M.Brodovskiy, *Kolonial'noe znachenie nashikh Sredne-Aziatskikh vladanii* (Moscow, 1891), pp. 3 ff.
- 45 . O . Heyfelder in O.Hoetsch, "Russisch Turkestan," *Selzmollers Jahrbuch* 38, no. 3, 3441913) 345-).
- 46 . M. G. Cherniaev "Akademicheskaiia zheleznaia doroga," *Novoe Vremia* no. 3623. Cherniaev, replied the editors in no. 3624, had deliberately underestimated the railroad's carrying capacity and military